



دانشگاه لرستان

Issn online: 2980-8944
New researches in Islamic humanities studies
<http://www.api.lu.ac.ir>



Critique and study of the methodology of the stages of ijthadic interpretation of the Quran in the most important books on the principles of interpretation based on the chart resulting from the advanced research method.

Faraj Talashan ^{1*}, Abolhasan Momen Nejad ²

*1 Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran, Email: f.talashan@yu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran, Email: amomennejad@yu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article History:
Received 20 October 2023
Received in revised form 20 December 2023
Accepted 6 January 2024
Available online 25 March 2024

Keywords:
Quran, methodology, stages of interpretation, ijthadist interpretation, principles of interpretation

ABSTRACT

Research Objective: The purpose of this research is to “Criticize and examine the methodology of the stages of ijthad interpretation of the Quran in the books on the principles of Quranic interpretation.” Considering the weaknesses and shortcomings in some of the works in this field, this research seeks to identify and analyze methodological slippages in Shiite and Sunni books that claim to explain the principles of Quranic interpretation.

Research Method: This research was conducted using a descriptive-analytical method and based on library data. Based on the model and framework resulting from the advanced research method in the field of Quranic knowledge, ten books from Shiite and Sunni books were criticized and examined. In this research, two appendices are presented:

Findings:

Based on the achievements of this research, it was determined that:

1. Some of the books under review deviated from the purpose stated in their introduction or generalities, and the title of the book does not match its content.
2. Lack of logical order in the presentation of the material and structural confusion are seen in some of these works.
3. Confusing the topics of Quranic sciences with Quranic interpretation is another problem that is seen in some books.

Conclusion: The results of this study show that methodological and structural weaknesses in some books on the principles of Quranic interpretation have led to scientific deviations and reduced the effectiveness of these works in explaining the stages of ijthad interpretation. Therefore, the need to review the methods of composition and develop more precise models of interpretation methodology is felt. This study can be considered as a step towards improving and improving the quality of future works in this field.

Cite this article: Talashan, Momen Nejad, Faraj, Abolhasan (1403). Critique and study of the methodology of the stages of ijthadic interpretation of the Quran in the most important books of the principles of interpretation based on the chart resulting from the advanced research method, *Modern Research in Islamic Humanities Studies*, 6 (3), 139-161
[//doi.org/ 10.22034/API.2025.2043683.1069](https://doi.org/10.22034/API.2025.2043683.1069)



© The Author(s).

DOI: [http://doi.org/ 10.22034/API.2025.2043683.1069](https://doi.org/10.22034/API.2025.2043683.1069)

Publisher: University of Lorestan.



نقد و بررسی روش شناسی مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در مهمترین کتب اصول تفسیر بر اساس چارت منتج از روش تحقیق پیشرفته

فرج تالشان^{۱*}، ابوالحسن مومن نژاد^۲

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، ایمیل: f.talashan@vu.ac.ir

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، ایمیل: amomennejad@vu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف پژوهش: هدف این پژوهش، «نقد و بررسی روش شناسی مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در کتب اصول تفسیر قرآن» است. با توجه به نقاط ضعف و کاستی های موجود در برخی از تألیفات این حوزه، این تحقیق در پی شناسایی و تحلیل لغزشگاه های روش شناختی در کتب شیعه و اهل سنت است که ادعای تبیین اصول تفسیر قرآن را دارند.

روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه داده های کتابخانه ای انجام شده است. بر اساس الگو و چارچوب منتج از روش تحقیق پیشرفته در حوزه معارف قرآنی، ده کتاب از کتب شیعه و اهل سنت مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند. در این تحقیق، دو پیوست ارائه شده است:

یافته ها:

بر اساس دستاوردهای این پژوهش، مشخص شد که:

۱. برخی از کتب مورد بررسی، از هدف بیان شده در مقدمه یا کلیات خود منحرف شده اند و عنوان کتاب با محتوای آن مطابقت ندارد.
۲. عدم نظم منطقی در ارائه مطالب و آشفتگی ساختاری در برخی از این آثار دیده می شود.
۳. خلط مباحث علوم قرآنی با تفسیر قرآن از دیگر مشکلاتی است که در برخی کتب به چشم می خورد.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان می دهد که ضعف های روش شناختی و ساختاری در برخی کتب اصول تفسیر قرآن، منجر به کج روی های علمی و کاهش کارآمدی این آثار در تبیین مراحل تفسیر اجتهادی شده است. از این رو، ضرورت بازنگری در شیوه های تألیف و تدوین الگوهای دقیق تر روش شناسی تفسیر احساس می شود. این تحقیق می تواند به عنوان گامی در جهت اصلاح و ارتقای کیفی آثار آینده این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه ها:

قرآن، روش شناسی، مراحل تفسیر، تفسیر اجتهادی، اصول تفسیر

استناد: تالشان، مومن نژاد، فرج، ابوالحسن (۱۴۰۳). نقد و بررسی روش شناسی مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در مهمترین کتب اصول تفسیر بر اساس چارت منتج از روش

تحقیق پیشرفته، پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، ۶ (۳)، ۱۳۹-۱۶۱

http://doi.org/ 10.22034/API.2025.2043683.1069



۱- مقدمه

قرآن کریم مرتبه‌ای از علم لایزال قادر متعال که استوارترین و آخرین پیام برای دستیابی به سعادت و فلاح دو جهان است. این کتاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که سبب گردید افراد با نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت در صدد کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع و هدایتگر و سازنده آن برآیند.

با توجه به اهمیت والای قرآن و جایگاه آن در میان امت اسلامی و بلکه جهانیان، برخی قرآنت آن را وجه همت خود قرار دادند، بعضی ترجمه و عده‌ای از دانشمندان در صدد تفسیر آن برآمدند. در این میان برخی جهت آگاهی مفسران از روش‌ها و مبانی صحیح تفسیر قرآن، دست به تألیف کتبی در این زمینه زده‌اند. ایشان معتقد هستند که هر مفسری که می‌خواهد دست به تفسیر قرآن بزند باید به اصول، مبانی و مراحل آن آگاهی داشته باشد تا به راه خطا و اشتباه نرود. برخی از این اصول به این قرار است: مبانی تفسیر، قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز مفسر، شرایط مفسر و شیوه‌های تفسیر.

در زمینه اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی)، تحقیقات بسیاری انجام گرفته است اما متأسفانه به دلیل مشخص و منقح نبودن زوایای روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر قرآن برای برخی از آن نویسندگان، کتب آنها از نقاط ضعف، کاستی‌ها و کجروی‌های غیرقابل قبولی مصون نمانده است. همین مسأله ما را بر آن داشت تا به بررسی برخی از این کتب که در این زمینه نوشته شده‌اند بپردازیم. کتبی^۱ که ما در این مقاله به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم عبارتند از: (۱) الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان (خالد بن عثمان السبت)؛ (۲) الفوز الکبیر فی أصول التفسیر (ولی الله دهلوی)؛ (۳) القول المنیر فی علم أصول التفسیر (اسماعیل عثمان زین الیمنی)؛ (۴) النظم الحییر فی علوم القرآن وأصول التفسیر (سعود بن إبراهیم الشریم)؛ (۵) مناهج المفسرین (صالح آل شیخ)؛ (۶) فصول فی أصول التفسیر (مسعود بن سلیمان)؛ (۷) مقدمه التفسیر لابن قاسم (عبد الرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلی)؛ (۸) مقدمه فی أصول التفسیر (ابن تیمیة حرانی)؛ (۹) نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)؛ (۱۰) من الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر (جمال ابو حسان).

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت اثری که تاکنون نقد و بررسی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در کتب اصول تفسیر قرآن را مورد بحث و مذاقه قرار داده باشد، یافت نشد.

۲- بررسی و نقد روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در مهمترین کتب اصول تفسیر قرآن

از جمله کتب اصول تفسیر قرآن که در این پژوهش به نقد و بررسی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در آنها می‌پردازیم عبارتند از:

۲-۱- کتاب الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان (خالد بن عثمان السبت)

فهرست کتاب ایشان بدین شرح است:

۱- مقدمه سلسله الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان

۱-۱- الملحوظة الأولى؛ ۲-۱- الملحوظة الثانية؛ ۳-۱- الملحوظة الثالثة؛ ۴-۱- الملحوظة الرابعة؛ ۵-۱- الملحوظة الخامسة؛ ۶-۱- الملحوظة السادسة؛ ۷-۱- الملحوظة السابعة.

۲- هسته مرکزی - اصل بحث:

التفسیر العلمی و الإعجاز العلمی و ما یسمى بالإعجاز العددی، سأجعل هذا الحدیث علی عشر نقاط

۲-۱- الأولى: فی التعریفات؛ ۲-۲- الثانية: فی الجذور التاریخیة للتفسیر العلمی و الإعجاز العلمی؛ ۳-۲- الثالثة: فی بواعث هؤلاء فی

^۱ همه کتب به جز [نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)] از نرم افزار مکتبه الشاملة استخراج شده‌اند.

هذا الاشتغال بالتفسير العلمی؛ ۲-۴- الرابعة؛ فی أقوال الباحثین عموماً من المؤیدین و من المخالفین؛ ۲-۵- الخامسة؛ فی حکمه؛ ۲-۶- السادسة؛ فی شروط قبوله؛ ۲-۷- السابعة؛ فی أصناف المشتغلین به؛ ۲-۸- الثامنة؛ الاتجاهات فی التفسیر العلمی؛ ۲-۹- التاسعة؛ أهم المؤلفات المغرقة و الموعلة فيه؛ ۲-۱۰- العاشرة؛ فی محاسنه. ایشان ابتدا هفت نکته را که حاوی کلیات موضوع هستند می‌آورد سپس در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «سنتحدث فی هذه السلسلة عن جملة من الموضوعات المتعلقة بالتفسیر العلمی، والإعجاز العلمی، و ما یسمى بالإعجاز العددی. ثم بعد ذلك سأحدث عن موضوعات أخرى كالأمثال فی القرآن، و القسم فی القرآن و القصص القرآنیة، و ترجمة معانی القرآن، و أسأل الله - عز وجل - أن یيسر لی دراسة هذه الموضوعات» (السبت، بی تا: ۱) ما درباره موضوعاتی که متعلق به تفسیر علمی و اعجاز علمی هستند صحبت خواهیم کرد سپس درباره موضوعات دیگری مانند مثال‌ها در قرآن، سوگند در قرآن و داستان‌های قرآنی و ترجمه معانی قرآن گفتگو خواهیم کرد)

نقد و بررسی

با توجه به پیوست شماره ۲ این تحقیق، همه مطالب ایشان زیر مجموعه علوم قرآن قرار می‌گیرند و مطلبی درباره اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی و تبیین مراحل اجتهادی) ندارد و متأسفانه ایشان از شاخه‌ای به شاخه دیگر رفته است با توجه به عنوان کتاب، باید فقط در زمینه اعجاز قرآن بحث می‌کردند اما مشاهده می‌شود که درباره ترجمه قرآن و ترجمه معانی قرآن نیز صحبت به میان آورده‌اند که ربطی به بحث کتاب ندارد. اما درباره خود موضوع که اعجاز علمی و عددی قرآن است می‌توان گفت بحث خوبی ارائه کرده‌اند.

۲-۲- کتاب الفوز الكبير فی أصول التفسیر(ولی الله دهلوی)

مقدمه علم التفسیر

هسته مرکزی - اصل بحث:

۱- الباب الاول فی بیان العلوم الخمسه التي يدل عليها القرآن العظيم نصا و كأن نزول القرآن بالاصاله كان لهذا الغرض

۱-۱- علم

۱-۳-۲- العقائد الثابتة لدى المشركين وانحرافهم عنها؛ ۱-۳-۴- معنى التشبيه وصوره؛ ۱-۳-۵- الجدل القرآنی مع المشتركين؛

الاحكام؛ ۱-۲- علم الجدل؛ ۱-۳- علم التذكير بآلاء الله؛ ۱-۴- علم التذكير بأيام الله؛ ۱-۵- علم التذكير بالموت و ما بعد الموت.

۱-۲- حقيقة أسباب النزول

۱-۳- الفصل الأول فی علم الجدل

۱-۳-۱- شعائر الملة الإبراهيمية ۱-۳-۶- الرد على التشبيه؛ ۱-۳-۷- الرد على استبعاد القيامة؛ ۱-۳-۸- الجدل القرآنی مع اليهود.

۱-۴- الفصل الثاني فی بقیة العلوم الخمسة

۱-۴-۱- إثبات الخالق فی القرآن؛ ۱-۴-۲- إثبات الخالق فی القرآن؛ ۱-۴-۳- أسلوب القرآن فی بیان آلاء الله؛ ۱-۴-۴- حکمة هذا

الأسلوب القرآنی؛ ۱-۴-۵- ظاهرة التكرار فی القصص القرآنی؛ ۱-۴-۶- غرض القصص فی القرآن؛ ۱-۴-۷- حقيقة الصغائر والكبائر؛

۱-۴-۷- نوع من التذكير بأيام الله.

۲- الباب الثاني فی بیان وجوه الدقة و الخفاء فی معانی نظم القرآن الكريم و تناسقه بالنسبة لأهل هذا العصر

۱-۲- موقف الشارع من المتشابهات؛ ۲-۲- أسباب صعوبة فهم المراد من الكلام؛ ۲-۳- الفصل الأول فی بحث غريب القرآن

۲-۴- الفصل الثاني فی مبحث الناسخ و المنسوخ؛ ۲-۴-۱- معنى النسخ عند المتقدمين؛ ۲-۴-۲- سعة مجال النسخ عند المتقدمين؛

۲-۴-۳- معنى النسخ عن المتأخرين.

- ٥-٢- الفصل الثالث فى أسباب النزول
- ١-٥-٢- صعوبة موضوع أسباب النزول؛ ٢-٥-٢- شروط المفسر فى باب أسباب النزول؛ ٣-٥-٢- عرض بعض الآيات فى صورة السؤال والجواب؛ ٤-٥-٢- إفراط محمد بن إسحاق الكلبي.
- ٢-٦- الفصل الرابع فى بقیة مباحث هذا الباب
- ١-٦-٢- الحذف؛ ٢-٦-٢- التحقيق الدقيق فى كلمة إذ؛ ٣-٦-٢- الإبدال؛ ٤-٦-٢- التقديم والتأخير؛ ٥-٦-٢- الزيادة بالتكرار؛ ٦-٦-٢- زيادة حرف الجر؛ ٧-٦-٢- فاء الاتصال؛ ٨-٦-٢- معانى الخير والشر.
- ٢-٧- الفصل الخامس فى المحكم و المتشابه و الكناية و التعريض و المجاز العقلى
- ١-٧-٢- تعريف المحكم؛ ٢-٧-٢- تعريف الكناية وأمثلةها؛ ٣-٧-٢- البيان بالإشارة الحسية؛ ٤-٧-٢- تعريف التعريض؛ ٥-٧-٢- تعريف المجاز العقلى.
- ٣- الباب الثالث فى أسلوب القرآن البديع
- ١-٣- الفصل الأول فى ترتيب القرآن الكريم وأسلوب السور فيه؛ ١-٣-١- القرآن فى عهد أبى بكر وعمر رضى الله عنهما
- ٢-١-٣- تنوع استهلال السور ومحتوياتها؛ ٣-١-٣- أسلوب خواتم السور.
- ٢-٣- الفصل الثانى فى تقسيم السور إلى الآيات وأسلوبها الفريد
- ١-٢-٣- بين الآيات والأبيات؛ ٢-٢-٣- السر فى توافق أجزاء الكلام؛ ٣-٢-٣- عروض العرب؛ ٤-٢-٣- أوزان الهنود؛ ٥-٢-٣- متعة الناس بالأصوات المطربة والأنغام الحلوة؛ ٦-٢-٣- فواصل الآيات القرآنية؛ ٧-٢-٣- خاتمة النفس هى القافية؛ ٨-٢-٣- السر فى انسجام الآيات القصيرة مع الطويلة.
- ٣-٣- الفصل الثالث فى ظاهرة التكرار فى القرآن الكريم
- ١-٣-٣- سر تكرار التلاوة.
- ٤-٣- الفصل الرابع فى ترتيب مباحث القرآن الكريم
- ١-٤-٣- حكمة الدعوة والعرض.
- ٥-٣- الفصل الخامس فى وجوه الإعجاز فى القرآن الكريم
- ١-٥-٣- إعجاز الأسلوب؛ ٢-٥-٣- إعجاز البلاغة العالية؛ ٣-٥-٣- تنوع الأساليب البيانية؛ ٤-٥-٣- إعجاز التشريع القرآنى.
- ٤- الباب الرابع فى بيان فنون التفسير وحل الخلافات الواقعة
- ١-٤-١- فى تفاسير الصحابة والتابعين
- ٢-٤-١- الفصل الأول فى أصناف المفسرين ومناهج تفسيرهم
- ١-٤-٢-١- تفسير المحدثين؛ ٢-٤-٢-١- تفسير المتكلمين؛ ٣-٤-٢-١- تفسير الفقهاء الأصوليين؛ ٤-٤-٢-١- تفسير النحاة اللغويين؛ ٥-٤-٢-١- تفسير الأدباء البارعين؛ ٦-٤-٢-١- تفسير الصوفية المتنسكين.
- ٣-٤-١- الفصل الثانى فى بيان الآثار المروية فى تفاسير أصحاب الحديث من المفسرين وما يتعلق بها من مهمات
- ١-٣-٤-١- القسم الثانى من أسباب النزول أمر اجتهادى؛ ٢-٣-٤-١- موقف بعض قدماء المفسرين من التعريضات فى الآيات؛ ٣-٣-٤-١- تفسير القرآن بالقرآن؛ ٤-٣-٤-١- شرح غريب القرآن؛ ٥-٣-٤-١- الناسخ والمنسوخ؛ ٦-٣-٤-١- غموض فى روايات الناسخ و المنسوخ.
- ٤-٤-١- الفصل الثالث فى بقیة لطائف هذا الباب
- ١-٤-٤-١- استنباط الأحكام وأقسامه العشرة؛ ٢-٤-٤-١- كلام الصحابة فى التوجيه؛ ٣-٤-٤-١- حقيقة التوجيه؛ ٤-٤-٤-١- التوجيه فى القرآن؛ ٥-٤-٤-١- ومن فنون التوجيه وأنواعه؛ ٦-٤-٤-١- غلو المتكلمين؛ ٧-٤-٤-١- تدافع فى نحو القرآن؛ ٨-٤-٤-١- إشارات الصوفية؛ ٩-٤-٤-١- ١٠-٤-٤-١-

الاعتبار والاستشهاد.

۴-۵. الفصل الرابع في غرائب القرآن الكريم

۴-۵-۱. تنوع غرائب القرآن؛ ۴-۵-۲. غرائب الأحكام؛ ۴-۵-۳. غرائب الجدل القرآني.

۴-۶. الفصل الخامس في ظهر القرآن و بطنه

۴-۶-۱. تأويل قصص الأنبياء؛ ۴-۶-۲. ترجمة القرآن بالفارسية؛ ۴-۶-۳. خواص القرآن.

آقای دهلوی در مقدمه اصول التفسیر خود ادعا می‌کند که: «و أنهم لو قضوا أعمارهم في مطالعة كتب التفسير، أو قراءتها على المفسرين، لا يظفرون بهذه القواعد و الأصول بهذا الضبط و التناسق» (دهلوی، ۱۴۰۷ق: ۲۸)؛ اگر [طالبان علم اصول تفسیر] تمام عمر خود را در مطالعه کتب تفسیر سپری کنند نمی‌توانند به این قواعد و اصول با چنین دقت و نظمی دسترسی پیدا کنند. با بررسی محتوای کتاب ببینیم آیا ادعای ایشان درست است یا خیر؟ عنوان کتاب «الفوز الكبير في اصول التفسير» است که در صدد تبیین اصول تفسیر است.

الباب الأول: في العلوم الخمسة التي يدل عليها القرآن الكريم نصاً.

الباب الثاني: في وجوه خفاء نظم القرآن بالنسبة إلى أفهام أهل هذا العصر.

الباب الثالث: في بيان لطائف نظم القرآن، و الأسلوب القرآني البديع.

الباب الرابع: في منهج التفسير، و بيان أسباب الاختلاف و وجوهه في تفسير الصحابة و التابعين.

الباب الخامس: في بيان غريب القرآن، و أسباب النزول.

نقد و بررسی

با نگاه به پیوست شماره ۲، باب اول و دوم ایشان در قسمت «فهم و زبان قرآن» که خود زیر مجموعه «علوم قرآن» است جای می‌گیرد و باب سوم در بخش «عجاز قرآن»، باب چهارم در قسمت «مفسر و فرقه‌های آن» و باب پنجم در قسمت «تاریخ قرآن» قرار می‌گیرد. با توجه به پیوست شماره ۲، متأسفانه هیچ کدام از مباحث این کتاب ربطی به «اصول تفسیر قرآن» و روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن ندارد!

۲-۳- القول المنير في علم أصول التفسير (اسماعيل عثمان زين اليمنى)

۱- زندگی‌نامه مؤلف

۲- درس الأول: تعريف علم أصول التفسير، موضوعه، استمداده، واضعه و أول من ألف فيه من العلماء الأعلام

۳- درس الثاني: أسماء القرآن، و معنى السورة و الآية

۴- درس الثالث (فائدة): ينقسم القرآن إلى فاضل و مفضول

هسته مرکزی - اصل بحث:

۵- درس الرابع: في معرفة المكي و المدني

۶- درس الخامس: معرفة الحضري و السفري

۷- درس السادس: في النهاري و الليلي و الفرائسي

۸- درس السابع: معرفة الصيفي و الشتائي في التنزيل

۹- درس الثامن: في أول ما نزل و آخر ما نزل من القرآن الكريم

۱۰- درس التاسع: معرفة سبب النزول

- ۱۱- درس العاشر: فی المتواتر و المشهور و الأحاد و الشاذ من القراءت
- ۱۲- درس الحادی عشر: فی القراءت الواردة عن النبی صلی الله علیه و [آله و] سلم أنه قرأ بها
- ۱۳- درس الثانی عشر: فیمن اشتهر من الصحابة و التابعین رضوان الله علیهم بحفظ القرآن الکریم و إقرائه
- ۱۴- درس الثالث عشر: وقوع المعرب و الغریب فی القرآن الکریم
- ۱۵- درس الرابع عشر: المشترك و المرادف
- ۱۶- درس الخامس عشر: فی مباحث المعانی المتعلقة بأحكام القرآن الکریم
- ۱-۱۶- العموم
- ۱-۱-۱۶- أحدها العموم المطلق؛ ۱-۱۶-۲- ثانیها العام المخصوص بمخصص متصل أو منفصل؛ ۱-۱۶-۳- ثالثها العام الذی أريد به خاص.
- ۱۷- درس السادس عشر: ما خصص من الكتاب بالسنة و ما خص من السنة بالكتاب
- ۱۸- درس السابع عشر: فیما ورد من الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم
- ۱۹- درس الثامن عشر: فی المجل و المبین من القرآن الکریم
- ۲۰- درس التاسع عشر: المطلق و المقید
- ۲۱- درس العشرون: آداب تلاوة القرآن الکریم
- مؤلف کتاب القول المنیر در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «فقد طلب منی بعض رواد العلم و الدین بمکة المکرمة المهتمین بدراسة (تفسیر القرآن الکریم) أن أتحدث إليهم فی (علم أصول التفسیر) بما یشتمل علی المهم من مباحثه التي لا بد لطلابه من الوقوف علیها، فأجبتهم إلى ما طلبوا، و حررت هذه الرسالة متوخيا فیها الإيجاز مع الإيضاح و البیان، و الإلمام بأهم المباحث التي یلزم طلاب العلم الوقوف علیها» (زین الیمنی، بی تا: ۸) برخی از طالبان دانش و دین در مکه مکرمه که به درس (تفسیر قرآن کریم) همت دارند از من درخواست کردند که درباره (علم اصول تفسیر) و آنچه در مباحث آن مهم است و ناگزیر باید آن را یاد بگیرند با آنها گفتگو و بحث کنم و من نیز خواسته آنان را اجابت کردم و این کتاب که در آن ایجاز و توضیح و مهم‌ترین مطالبی که یک دانشجو در این زمینه مورد به آن محتاج است را گردآوری کردم).

نقد و بررسی

اکنون با توجه به مقدمه مؤلف در القول المنیر می‌بینیم که آیا مؤلف توانسته ادعای خود را که در مقدمه بیان داشته است جامه عمل بپوشاند و مطالب مهم و اصلی اصول و مراحل تفسیر اجتهادی قرآن را در کتاب خود بگنجاند؟ با عنایت به پیوست شماره ۲، و با توجه به عناوین، فهرست و محتوای کتاب، متأسفانه مطالب کل دروس و محتوای کتاب ایشان مربوط به تاریخ قرآن است نه مبانی و مراحل تفسیر اجتهادی قرآن، بنابراین عنوان کتاب با معنوی آن مطابقت نمی‌کند. ایشان اگر نام کتاب‌شان را «القول المنیر فی علم تاریخ القرآن» می‌گذاشتند مناسب‌تر بود!

۲-۴- النظم الحیبر فی علوم القرآن و أصول التفسیر (سعود بن ابراهیم الشریم)

۱- مقدمه

هسته مرکزی - اصل بحث:

- ۱-۱- فصل فی الوحی؛ ۲-۱- تعریف القرآن و أسماءه؛ ۳-۱- نزول القرآن؛ ۴-۱- معرفه أول ما نزل و آخر ما نزل؛ ۵-۱- المکی و المدنی؛ ۶-۱- أسباب النزول؛ ۷-۱- حفاظ القرآن من الصحابة رضی الله عنهم؛ ۸-۱- کتاب الوحی؛ ۹-۱- جمع القرآن الکریم؛ ۱۰-۱- الأحرف السبعة؛ ۱۱-۱- سور القرآن و آیاته؛ ۱۲-۱- المحکم و المشابه فی القرآن؛ ۱۳-۱- المشابه فی آیات الصفات؛ ۱۴-۱-

الإعجازُ في القرآن؛ ۱-۱۵- أمثال القرآن؛ ۱-۱۶- أفسام القرآن.

۲- اصول التفسير

۱-۲- مصادِرُ التفسير و أنواعه؛ ۲-۲- شروطُ المُفسر؛ ۳-۲- أسبابُ الاختلافِ في التفسير؛ ۴-۲- أساليبُ التفسير.

۳- الختام

همان گونه که از نام کتاب بر می آید - النظم الحبير في علوم القرآن و أصول التفسير - این کتاب، «علوم قرآن» و «اصول تفسیر» را به نظم در آورده است. ایشان در مقدمه منظوم خود می گوید:

فَهَاكَ حَدَّ جُمْلَهُ الْمَوْسُومِ	عِلْمُ الْقُرْآنِ أَشْرَفُ الْعُلُومِ
و تَبَحَّتْ النُّزُولَا وَ الْمَسَائِلَا	وَ هِيَ : عِبَارَةٌ تُفِيدُ السَّائِلَا
وَ كَيْفَ ذَا الْأَدَاءِ بِاللِّسَانِ (الشَّريِمِ،	وَ هَاكَذَا الْأَحْوَالُ فِي الْقُرْآنِ
۱۴۲۲ق: ۱)	

(علم قرآن شریف‌ترین علوم است، پس معنی مجمل را برای علوم قرآنی که در ادامه می آید بگیر. و آن عبارتی است که مفید سؤال کننده است و درباره کیفیت نزول قرآن و مسائلی در این باره را بحث می کند. و همچنین احوالات در قرآن و چگونگی ادای آنها را بر زبان بیان می دارد).

نقد و بررسی

این کتاب بنا به گفته مؤلف و با توجه به فهرست آن، علاوه بر اینکه عهددار مباحث «علوم قرآن» است عهددار «اصول تفسیر» نیز هست. پس به بررسی مطالب گفته شده در مقدمه و فهرست می پردازیم.

در بخش مقدمه کتاب، همه مطالب به قسمت «تاریخ قرآن» مربوط است به جز «۱-۱۲- الْمُحْكَمُ وَ الْمُتَشَابِهُ فِي الْقُرْآنِ؛ ۱-۱۳- الْمُتَشَابِهُ فِي آيَاتِ الصِّفَاتِ؛ ۱-۱۴- الإعجازُ في القرآن؛ ۱-۱۵- أمثال القرآن؛ ۱-۱۶- أفسام القرآن» که مربوط به «اعجاز قرآن» است و «اعجاز قرآن» نیز زیر مجموعه «علوم قرآن» می باشد. بنابراین در این قسمت به نوعی در هم ریختگی و اختلاط مباحث مشاهده می شود.

در قسمت «اصول تفسیر» که یک بابی را به خود اختصاص داده است مشاهده می کنیم که «۱-۲- مصادِرُ التفسير و أنواعه» مربوط به «انواع تفسیر»؛ «۲-۲- شروطُ المُفسر» مربوط به «حالات مفسر» و «۳-۲- أسبابُ الاختلافِ في التفسير» مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر»، که همه این سه مورد، زیر مجموعه بخش «مفسر» است.

مباحث «۴-۲- أساليبُ التفسير» مربوط به «انواع تفسیر» که زیر مجموعه «تفسیر» است می باشد.

نتیجه می گیریم که با توجه به عنوان کتاب، فقط مطالب بخش «علوم قرآنی»، آن هم به صورت موجز در کتاب موجود است. اما این کتاب متأسفانه در هیچ جای آن بحثی مربوط به «اصول تفسیر قرآن» و «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» را ندارد.

۲-۵- مناهج المفسرين (صالح آل شيخ)

۱- مقدمه

۲- طریقه معرفه مناهج المفسرين

۱-۲- الطریق الأول: أن ينص المفسر على شرطه في التفسير في أول؛ ۲-۲- الطریق الثاني: أن يعلم شرطه في التفسير و يعلم

المنهج عن طريق الاستقراء.

هسته مرکزی - اصل بحث:

۳- اتجاهات مدرسه التفسیر بالرأی

۳-۱- القسم الأول: الذين فسروا القرآن بالرأی الناشئ عن هوى كما فسرت المعتزلة و الخوارج و ... بأرائهم و أهوائهم؛ ۳-۲- القسم الثاني: من مدرسة التفسیر بالرأی الذين فسروا القرآن بالاجتهاد و الاستنباط .

۳-۲-۱- شروط جواز التفسیر بالاجتهاد و الاستنباط

۳-۱-۲-۱- الشرط الأول: عالما بعقيدة السلف؛ ۳-۱-۲-۲- الشرط الثاني: عالما بالقرآن؛ ۳-۱-۲-۳- الشرط الثالث: عالما بالسنة؛

۳-۱-۲-۴- الشرط الرابع: أن يكون عالما بأقوال الصحابة؛ ۳-۱-۲-۵- الشرط الخامس: أن يكون عالما بأحوال العرب؛ ۳-۱-۲-۶- الشرط السادس: أن يكون عالما باللغة العربية.

۴- مدارس تفسیر الرأی

۴-۱- المدرسة الأولى: فسرت القرآن بالنظر إلى العقائد؛ ۴-۲- المدرسة الثانية: المنتمية إلى مدرسة التفسیر بالرأی مدرسة التفسیر الموسوعي؛ ۴-۳- المدرسة الثالثة: التفاسیر اللغوية؛ ۴-۴- المدرسة الرابعة: التفاسیر الفقهية.

صالح آل شيخ در مقدمه كتابش «مناهج المفسرين» می‌نویسد: «فهذه الدورة متخصصة في التفسیر و علوم القرآن و إن من مباحث هذه الدورة الكلام على مناهج المفسرين و الكلام على مناهج المفسرين مهم، لأن التفاسیر لكتاب الله جلّ و علا كثرت جداً حتى بلغت أكثر من مائة من التفاسیر الموجودة بين أيدينا اليوم، و التفاسیر المفقودة كثيرة و التي لم تطبع أيضاً كثيرة و هكذا فلا بد لطالب العلم الذي يحرص على معرفة معاني كلام الله جلّ و علا أن يعلم مناهج أولئك المفسرين و طرائقهم حتى إذا راجع تفسيرا لأحد أولئك يعلم مع ما يتميز به ذلك التفسیر و يعلم منهج المؤلف حتى لا يضيع بين كثرة التفاسیر.

منهج أو مناهج المفسرين المقصود بها الطرائق و الخصائص التي يتميز بها التفسیر و المناهج جمع منهج و المنهج و النهج هو الطريق الملتزم یعنی أن مناهج المفسرين هي الطرق و الشروط التي اتبعوها في تفاسيرهم و هذه المناهج متنوعة متعددة و المفسرون منهم من يذكر شرطه في تفسيره و منهم من لا يذكر ذلك فإذا كانت المناهج هي الطرق التي سلكها المفسر في تفسيره فأصبحت قواعد له في التفسیر أو أصبحت مميزات و خصائص له في تفسيره» (آل شيخ، بی تا: ۱) پس این مجموعه، مخصوص و ویژه تفسیر و علوم قرآن و از مباحث این مجموعه سخن پیرامون راهها و شیوه‌های مفسران است و سخن درباره راه‌های مفسران، مهم است. زیرا تفاسیر برای قرآن کریم واقعاً بسیار است به گونه‌ای که تعداد آنها اکنون از صدها تفسیر افزون است که در بین ما موجود است و تفاسیری که از بین رفته‌اند نیز بسیارند بنابراین طلاب علم که خواهان دانستن معانی کلام خداوند در قرآن کریم هستند باید شیوه‌های این مفسران و راه‌های آنها را بدانند تا وقتی که به یکی از این تفاسیر مراجعه می‌کند بدانند که ویژگی این تفسیر چیست؟ و شیوه مؤلف را بدانند تا در بین این همه تفاسیر بیراهه نرود.

نقد و بررسی

مقصود از منهج یا مناهج مفسران، راهها و ویژگی‌هایی است که با آن ویژگی‌ها، تفسیر شناخته می‌شود. «مناهج» جمع «منهج» است و «منهج» و «النّهج» آن مسیر تعهد شده است. یعنی «مناهج مفسران» همان مسیر و شروطی است که مفسران آن را در تفاسیرشان پذیرفته و قبول کرده‌اند. این مناهج، مختلف و متعدد هستند. برخی از مفسران شرایط خود را در تفسیرشان متذکر می‌شوند و برخی بیان نمی‌کنند. اگر شیوه‌ها و مناهج تفسیری همان مسیری هستند که مفسر در تفسیرش آنها را به کار گرفته است پس قاعده و ملاک یا ویژگی‌ها و خصوصیات در تفسیر او به حساب می‌آیند).

بنابراین با توجه به مقدمه فوق‌الذکر، آل‌شیح در این کتاب درصدد ارائه شیوه، ملاک و اصولی برای شناختن تفاسیر است. در این نقد ما در پی این هستیم که بدانیم آیا ایشان ملاک‌ها و اصول اصلی تفسیر اجتهادی قرآن را با توجه به پیوست شماره ۲، مناسب

و صحیح نشان داده و معرفی کرده است؟

ایشان در «۳-۲-۱» شروط جواز التفسیر بالاجتهاد و الاستنباط» مواردی را آورده‌اند که مربوط به علوم مورد نیاز مفسر است که این موارد زیر مجموعه مفسر هستند و ارتباطی به موضوعات اصلی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن ندارند. در قسمت «۴- مدارس تفسیر الرأی» ایشان فرقه‌هایی را نام می‌برد و توضیح می‌دهد که مفسران آنها، قرآن را بر اساس رأی خود تفسیر کرده‌اند. که این بخش با توجه به همان پیوست، در قسمت «محور و فرقه‌های مفسران» که خود زیر مجموعه «مفسر» است جای می‌گیرد. بنابراین متأسفانه عنوان کتاب با آنچه که مؤلف در مقدمه کتابش درصدد ارائه آن بود یکسان نیست. با توجه به بخش «مدارس تفسیر الرأی» که حجم بیشتری از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است مناسب بود مؤلف، کتابش را «مدارس تفسیر الرأی» (فرقه‌های تفسیر به رأی) نامگذاری می‌کرد.

۲-۶- فصول فی أصول التفسیر (مساعده بن سلیمان)

۱- مقدمه

۱-۱- تمهید

۲- أصول التفسیر

۱-۲- الأصل فی اللغة؛ ۲-۲- التفسیر فی اللغة و الاصطلاح.

۳- مراجع أصول التفسیر

۱-۳- کتب مصدره باسم (أصول التفسیر)؛ ۲-۳- مقدمات المفسرین؛ ۳-۳- کتب علوم القرآن؛ ۴-۳- استقراء کتب التفاسیر.

هسته مرکزی - اصل بحث:

۴- موضوعات أصول التفسیر

۱-۴- حکم التفسیر و أقسامه

۱-۱-۴- باعتبار معرفه الناس له؛ ۲-۱-۴- باعتبار طریق الوصول إليه؛ ۳-۱-۴- باعتبار أسالیبه؛ ۴-۱-۴- باعتبار اتجاهات المفسرین فیہ.

۵- طرق التفسیر

۱-۵- أولاً: تفسیر القرآن بالقرآن

۱-۱-۵- بیان المجمل؛ ۲-۱-۵- تقييد المطلق؛ ۳-۱-۵- تخصيص العام؛ ۴-۱-۵- تفسیر المفهوم من آیه بأیه أخرى؛ ۵-۱-۵- تفسیر

لفظة بلفظة؛ ۶-۱-۵- تفسیر معنی بمعنی؛ ۷-۱-۵- تفسیر أسلوب قرآنی فی آیه بأیه أخرى.

۲-۵- ثانياً: تفسیر القرآن بالسنة النبویة

۱-۲-۵- أن ينص على تفسیر آیه أو لفظة؛ ۲-۲-۵- أن يشكل على الصحابة فهم آیه فیفسرها لهم؛ ۳-۲-۵- أن يذكر فی كلامه ما

یصلح أن يكون تفسیراً للآیه؛ ۴-۲-۵- أن يتأول القرآن.

۳-۵- ثالثاً: تفسیر القرآن بأقوال الصحابة

۱-۳-۵- اسباب الرجوع الى تفسیرهم

۲-۳-۵- مصادرهم فی التفسیر

۱-۲-۳-۵- القرآن الکریم؛ ۲-۲-۳-۵- السنة النبویة؛ ۳-۲-۳-۵- اللغة العربیة؛ ۴-۲-۳-۵- أهل الكتاب؛ ۵-۲-۳-۵- الفهم و الاجتهاد.

۳-۳-۵- حکم تفسیر الصحابی

۴-۵- رابعاً: تفسیر القرآن بأقوال التابعین

- ١-٤-٥- اسباب الرجوع الى تفسیرهم
- ٢-٤-٥- مصادرهم فى التفسیر
- ١-٢-٤-٥- القرآن الکریم؛ ٢-٢-٤-٥- السنه النبویه؛ ٣-٢-٤-٥- الصحابه؛ ٤-٢-٤-٥- اللغه؛ ٥-٢-٤-٥- أهل الكتاب؛ ٦-٢-٤-٥- الفهم و الاجتهاد.
- ٣-٤-٥- حکم تفسیر التابعی
- ٤-٤-٥- تنبيهات حول تفسیر الصحابه و التابعین
- ٥-٥- خامساً: تفسیر القرآن باللغه
- ١-٥-٥- سبب الرجوع الى التفسیر باللغه
- ٢-٥-٥- ضوابط التفسیر باللغه
- ١-٢-٥-٥- أن تكون اللفظة المفسرة صحيحة فى اللغه؛ ٢-٢-٥-٥- أن يفسر القرآن بالأغلب من لغة العرب؛ ٣-٢-٥-٥- أن يراعى السياق؛ ٤-٢-٥-٥- أن تعرف ملابسات النزول و قصص الایة؛ ٥-٢-٥-٥- تقدم المعنى الشرعى على اللغوى عند التعارض.
- ٣-٥-٥- تنبيهات حول تفسیر القرآن باللغه
- ٤-٥-٥- سادساً: التفسیر بالاجتهاد و الرأى
- ١-٤-٥- طرق التفسیر
- ١-١-٤-٥- تفسیر القرآن بالقرآن؛ ٢-١-٤-٥- تفسیر القرآن بالسنة؛ ٣-١-٤-٥- تفسیر القرآن بأقوال الصحابه؛ ٤-١-٤-٥- تفسیر القرآن بأقوال التابعین؛ ٥-١-٤-٥- تفسیر القرآن باللغه؛ ٦-١-٤-٥- تفسیر القرآن بالرأى و الاجتهاد.
- ٤-٥-٥- التفسیر بالمأثور
- ١-٤-٥-٥- اختلاف السلف فى التفسیر
- ١-١-٤-٥- تعريف اختلاف التنوع و اختلاف التضاد
- ٢-١-٤-٥- أنواع اختلاف التنوع؛ ٣-١-٤-٥- أسباب الاختلاف فى تفسیر السلف.
- ٤-١-٤-٥- من أسباب الاختلاف بين مفسرى السلف
- ١-٤-٥-٥- الاشتراك؛ ٢-٤-٥-٥- الاختلاف فى مفسر الضمير؛ ٣-٤-٥-٥- أن يكون فى الجملة حذف؛ ٤-٤-٥-٥- أن تحتل اللفظة أكثر من تعريف؛ ٥-٤-٥-٥- تنوع الاستعمال العربى للفظه؛ ٦-٤-٥-٥- أن يدور حکم الآیه بين الإحكام و النسخ؛ ٧-٤-٥-٥- أن يدور حکم الآیه بين العموم و الخصوص؛ ٨-٤-٥-٥- أن يذكر الوصف المحتمل لأكثر من موصوف؛ ٩-٤-٥-٥- أن يكون فى الآیه حرف له قراءتان.
- ٢-٤-٥-٥- الإجماع فى التفسیر
- ٣-٤-٥-٥- الأصول التى يدور عليها التفسیر
- ١-٣-٤-٥-٥- أولاً: التفسیر على اللفظ؛ ٢-٣-٤-٥-٥- ثانياً: التفسیر على المعنى؛ ٣-٣-٤-٥-٥- ثالثاً: التفسیر على الإشارة و القياس.
- ٤-٤-٥-٥- طريقة السلف فى التفسیر
- ٥-٤-٥-٥- أقسام التفسیر
- ١-٥-٥-٥- باعتبار معرفة الناس له؛ ٢-٥-٥-٥- باعتبار طرق الوصول إليه؛ ٣-٥-٥-٥- باعتبار أساليبه؛ ٤-٥-٥-٥- باعتبار اتجاهات المفسرين فيه.
- ٤-٥-٥-٥- توجيه أقوال السلف
- ٧-٥-٥-٥- قواعد التفسیر

۶-۷-۱- اولاً: القواعد العامة؛ ۶-۷-۲- ثانياً: القواعد الترجيحية.

۶-۷-۱- طریقهٔ المفسرين في عرض التفاسير المنقولة

۷- کلیات القرآن

۷-۱- اولاً: کلیات الألفاظ؛ ۷-۲- ثانياً: کلیات الأسلوب.

۸- توجيه القراءات و أثره في التفسير

۹- المراجع

نقد و بررسی

مسعود بن سلیمان در مقدمهٔ کتابش می‌نویسد: «فإني قد اخترت بعض المباحث التي رأيت أنها ألصق بهذا العلم [اصول التفسير]، اجتهدت في تحرير مسائلها على ما يأذن به الله ... لأن المراد بيان مسائل هذا العلم وإيضاحها» (بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۴)؛ من برخی مباحث که به این علم [اصول تفسیر] مناسب‌تر بود را اختیار کردم و به اذن خداوند تلاش کردم و مسائل آن را نوشتم ... زیرا هدف [از نوشتن این کتاب] بیان مسائل و توضیح این علم [اصول تفسیر] است.

اکنون با توجه به مقدمهٔ کتاب و عنوان آن «فصول في اصول التفسير»، می‌خواهیم ببینیم که آیا مؤلف در نیل به این هدف موفق بوده است یا در حواشی این علم [اصول تفسیر] قلم زده است و متعرض اساس بحث نشده است؟

ایشان در بخش «۴- موضوعات أصول التفسير؛ ۴-۱- حکم التفسير و أقسامه» این موارد را ذکر می‌کند: «۴-۱-۱- باعتبار معرفة الناس له؛ ۴-۱-۲- باعتبار طريق الوصول إليه؛ ۴-۱-۳- باعتبار أساليبه؛ ۴-۱-۴- باعتبار اتجاهات المفسرين فيه». یعنی کسانی که با توجه به سطح و استعدادشان مراد خدای تعالی می‌فهمند. با توجه به پیوست شماره ۲، این بخش مربوط به فهم و زبان قرآن است که زیر مجموعهٔ علوم قرآن قرار می‌گیرد.

در قسمت «۵- طرق التفسير» این موارد را ذکر می‌کند: «۵-۱- اولاً: تفسير القرآن بالقرآن؛ ۵-۲- ثانياً: تفسير القرآن بالسنة النبوية؛ ۵-۳- ثالثاً: تفسير القرآن بأقوال الصحابة؛ ۵-۴- رابعاً: تفسير القرآن بأقوال التابعين؛ ۵-۵- خامساً: تفسير القرآن باللغة؛ ۵-۶- سادساً: التفسير بالاجتهاد والرأى». این موارد مربوط به بخش «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی < اکتسابی (واقعی) < نقلی است. در حالی که مراد ایشان از «اصول تفسیر»، روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن است که از اصل مبحث دور مانده است. ایشان در بخش «۶- التفسير بالمأثور» این موارد را ذکر می‌کند: «۶-۱- اختلاف السلف في التفسير؛ ۶-۱-۱- تعريف اختلاف التنوع و اختلاف التضاد؛ ۶-۱-۲- أنواع اختلاف التنوع؛ ۶-۱-۳- أسباب الاختلاف في تفسير السلف؛ ۶-۱-۴- من أسباب الاختلاف بين مفسري السلف». این موارد مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است که زیر مجموعهٔ «مفسر» است و نه «تفسیر».

در قسمت «۶-۳- الأصول التي يدور عليها التفسير» این موارد را ذکر می‌کند: «۶-۳-۱- اولاً: التفسير على اللفظ؛ ۶-۳-۲- ثانياً: التفسير على المعنى؛ ۶-۳-۳- ثالثاً: التفسير على الإشارة و القياس»، که مانند مورد قبل مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است که زیر مجموعهٔ «مفسر» است و نه «تفسیر».

در بخش «۷- قواعد التفسير» این موارد را بیان می‌کند: «۷-۱- اولاً: القواعد العامة؛ ۷-۲- ثانياً: القواعد الترجيحية». ایشان در این بخش در توضیح «قواعد عامه» چنین بیان می‌کند: «القواعد هي: الأمور الكلية المنضبطة التي يستخدمها المفسر في تفسيره، و يكون استخدامها لها إما ابتداءً، و يبنى عليها فائدة في التفسير، أو ترجيحاً بين الأقوال و يمكن استنباط هذه القواعد من كتب التفسير، و كتب اللغة، و البلاغة، و الأصول» (بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۱۸). این قواعد عبارتند از: همهٔ موارد منسجمی که مفسر در تفسیرش به کار می‌گیرد که یا به صورت ابتدایی آنها را به کار می‌گیرد و فایده‌ای را بر اساس آنها بنا می‌کند یا برای ترجیح دادن بین سخنان یا ممکن است به عنوان ابزاری برای استنباط قواعد از کتب تفسیر، لغت، بلاغت و اصول به کار گرفته شوند. با توجه

به مطالب ایشان، این بخش در قسمت «علوم مورد نیاز مفسر» جای می‌گیرد.

ایشان در قسمت «۷- کلیات القرآن» این موارد را ذکر می‌کند: «۱-۷- اولاً: کلیات الألفاظ؛ ۲-۷- ثانياً: کلیات الأسلوب». مراد از «کلیات قرآن» طبق گفته مؤلف این است: «المراد بالكلیات القرآن ما يطلقه بعض المفسرين على لفظ أو أسلوب بأنه يأتي في القرآن على معنى مطرد و هذه الإطلاقات الكليّة تبين مصطلحات القرآن في الألفاظ والأساليب، فيكون اللفظ الكلي مصطلحاً قرآناً خاصاً... [في المثل] [كل ظن في القرآن فهو علم]» (همان: ۱۶۲-۱۶۱). مراد از «کلیات قرآن» این است که برخی مفسران آن را بر لفظ یا اسلوبی اطلاق می‌کنند که در قرآن بر معنای شایع و رایج می‌آید و این اطلاق‌ها کلی مصطلحات قرآن را در الفاظ و اسلوب‌هایی بیان می‌کنند مانند: (هر چه لفظ «ظن» در قرآن است به معنای «علم» است). با توجه به توضیحات بیان شده، مانند موارد قبل، این بخش مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است.

در بخش «۸- توجیه القراءات و أثره في التفسير» که مربوط به انواع قراءت است. این بخش مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» که زیر مجموعه «تاریخ قرآن» است می‌باشد.

با توجه به مطالب گفته شده نتیجه می‌گیریم که مؤلف کتاب «فصول فی اصول التفسیر» درباره «اصول تفسیر» و «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» هیچ گونه صحبتی نکرده‌اند و هر چه گفته‌اند مطالب حاشیه‌ای و پیرامونی است.

۲-۷- مقدمه التفسیر لابن قاسم (عبدالرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلی)

۱- مقدمه

هسته مرکزی - اصل بحث:

۲- البابُ الأوَّلُ : تَنْزِيلُ الْقُرْآنِ

۱-۲- البابُ الثَّانِي : مَوَاضِعُ نَزْوِلِ الْقُرْآنِ؛ ۲-۲- البابُ الثَّالِثُ : اِنْزَالُ الْقُرْآنِ؛ ۳-۲- البابُ الرَّابِعُ : اَسْبَابُ نَزْوِلِ الْقُرْآنِ.

۳- البابُ الخَامِسُ : عَامُّ الْقُرْآنِ وَ خَاصُّهُ

۴- البابُ السَّادِسُ : نَاسِخُ الْقُرْآنِ وَ مَنْسُوخُهُ

۵- البابُ السَّابِعُ : مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَ مُشَابِهُهُ

۶- البابُ الثَّامِنُ : التَّأْوِيلُ

۷- البابُ التَّاسِعُ : نَفْيُ الْمَجَازِ

۸- البابُ العَاشِرُ : اِعْجَازُ الْقُرْآنِ

۹- البابُ الحَادِي عَشَرَ : اَمْثَالُ الْقُرْآنِ

۱۰- البابُ الثَّانِي عَشَرَ : اِقْسَامُ الْقُرْآنِ

۱۱- البابُ الثَّالِثُ عَشَرَ : اَلْخَبَرُ وَالْاِنْشَاءُ

۱۲- البابُ الرَّابِعُ عَشَرَ : طُرُقُ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ

۱-۱۲- البابُ الخَامِسُ عَشَرَ : التَّفَاسِيرُ

۱۳- البابُ السَّادِسُ عَشَرَ : سَبَبُ الْاِخْتِلَافِ

۱۴- البابُ السَّابِعُ عَشَرَ : تَفْسِيرُ الْقُرْآنِ

۱۵- البابُ الثَّامِنُ عَشَرَ : تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ

عبدالرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلی در مقدمه تفسیرش می‌گوید: «أَمَا بَعْدُ : فَهَذِهِ مُقَدِّمَةٌ فِي التَّفْسِيرِ : تُعَيِّنُ عَلَيَّ فَهْمِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْجَدِيدِ بِأَنْ تُصَرِّفَ لَهُ الْهَمَمَ ، فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ ، وَمَنْ أَخَذَ بِهِ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بن قاسم الحنبلی، بی تا: ۱)؛ اما

بعد، این مقدمه در تفسیر، به فهم قرآن کریم کمک و مشکلات را از مسیر آن رفع می‌کند پس در آن هدایت و نور است و هر کس آن را بگیرد به راه مستقیم هدایت شده است). بنابراین این کتاب را در راستای فهم درست و صحیح قرآن کریم می‌داند.

نقد و بررسی

ایشان در «۲- الباب الأول: تنزيل القرآن» این موارد را بیان می‌کند: «۱-۲- الباب الثانی: مواضع نزول القرآن؛ ۲-۲- الباب الثالث: إنزال القرآن؛ ۳-۲- الباب الرابع: أسباب نزول القرآن» که مربوط به تاریخ قرآن است.

مباحث «۳- الباب الخامس» تا «۱۱- الباب الثالث عشر» مربوط به «بلاغت قرآن» است که آن زیر مجموعه «علوم قرآن» قرار می‌گیرد.

مباحث «۱۲- الباب الرابع عشر: طرق تفسیر القرآن، ۱۲-۱- الباب الخامس عشر: التفاسیر» مربوط به بخش «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی < اکتسابی (واقعی) < نقلی است.

مباحث «۱۳- الباب السادس عشر: سبب الاختلاف [سبب اختلاف در تفاسیر از قبیل نقلی، استدلالی و..]» مربوط به «محور و فرقه‌های مفسران» است که زیر مجموعه مفسر قرار می‌گیرد.

مباحث «۱۴- الباب السابع عشر: تفسیر القرآن» مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است.

مباحث «۱۵- الباب الثامن عشر: تلاوة القرآن» مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» است که زیر مجموعه «تاریخ قرآن» قرار می‌گیرد.

بنابراین این کتاب مطلب اصلی و مهمی درباره «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» ندارد و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای و پیرامونی پرداخته است. البته ایشان نیز به صورت صریح در مقدمه کتابش بیان نکرده است که خواهان پرداختن به مباحث «اصول تفسیر» است.

۲-۸- مقدمه فی أصول التفسیر (ابن تیمیه حرانی)

۱- مقدمه

۱-۱- فصل فی عنایة الصحابة و التابعین بمعانی القرآن

هسته مرکزی - اصل بحث:

۲- فصل فی اختلاف السلف فی التفسیر اختلاف تنوع [اختلاف سلف در تفسیر و این اختلاف به معنای تنوع است]

۱-۲- فصل فی نوعی الاختلاف فی التفسیر

۱-۲- النوع الأول: الخلاف الواقع فی التفسیر من جهة النقل؛ ۲-۱-۲- النوع الثاني: فی الاختلاف فی التفسیر باختلاف طرق الاستدلال.

۳- فصل تفسیر القرآن بالقرآن، و تفسیره بالسنة، و أقوال الصحابة

۱-۳- فصل تفسیر القرآن بأقوال الصحابة؛ ۳-۲- فصل تفسیر القرآن بأقوال التابعین.

۴- فصل تفسیر القرآن بمجرد الرأي

۵- فصل أقرب التفاسیر إلى الكتاب و السنة

۶- فصل جمع القراءات السبع

نقد و بررسی

ابن تیمیه در مقدمه کتابش «مقدمه فی اصول التفسیر» می‌نویسد: «أما بعد: فقد سألتني بعض الإخوان أن أكتب له مقدمة تتضمن

قواعد کلیه، تعیین علی فهم القرآن و معرفة تفسیره و معانیه، و التمییز فی منقول ذلك و معقوله بین الحق و أنواع الأباطیل، و التنبیه علی الدلیل الفاصل بین الأقاویل؛ فإن الكتب المصنفة فی التفسیر مشحونة بالغث و السمین، و الباطل الواضح و الحق المبین. و العلم إما نقل مصدق عن معصوم، و إما قول علیه دلیل معلوم، و ما سوى هذا فإما مزيف مردود، و إما موقوف لا يعلم أنه بهرج و لا منقود» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۰ق: ۲)؛ اما بعد، برخی از برادران از من درخواست کردند که مقدمه‌ای شامل قواعد کلی بر فهم قرآن، شناخت تفسیر و معانی آن، راه شناسایی و تمییز بین گفته‌ها و معقولات آن از میان حق و انواع باطل و ارائه دادن بهترین ملاک در گزینش برترین گفته‌ها بنویسم؛ زیرا کتاب‌های نوشته شده در تفسیر، مملوء از مطالب درست و نادرست و باطل آشکار و حق روشن است. دانش [صحیح]، یا نقل واقعی و درست از معصوم است یا گفته‌ای که بر آن دلیل آشکاری است و به جز این موارد یا درهم و مردود است یا متوقف شده است که نمی‌دانیم که آیا درهم و آشوب‌زده است یا پالایش و آماده شده. این کتاب غالباً به صورت پرسش و پاسخ است.

ابن تیمیه در «۱-۱- فصل فی عناية الصحابة و التابعین بمعانی القرآن» می‌گوید: «يجب أن يعلم أن النبي صلى الله عليه و [آله و] سلم بين لأصحابه معانی القرآن كما بين لهم ألفاظه» (همان: ۴)؛ واجب است که بدانیم که پیامبر (ص) همان گونه که الفاظ قرآن کریم را به اصحابش تبیین کرد معانی قرآن را نیز برای آنان تبیین و آشکار ساخت. این مبحث با توجه به پیوست شماره ۲، در قسمت انتقال قرآن و حفظ و نگهداری آن قرار می‌گیرد که همه اینها زیر مجموعه تاریخ قرآن هستند.

در بخش «۲- فصل فی اختلاف السلف فی التفسیر اختلاف تنوع» ابن تیمیه تحلیل می‌کند که اختلاف سلف و گذشتگان در تفسیر به معنای تنوع است نه اختلاف و تناقض‌گویی. او در این رابطه می‌گوید: «الخلافاً بین السلف فی التفسیر قليل، و خلافتهم فی الأحكام أكثر من خلافتهم فی التفسیر، و غالب ما یصح عنهم من الخلافاً یرجع إلى اختلاف تنوع لا اختلاف تضاد» (همان: ۶)؛ اختلاف گذشتگان در تفسیر اندک است و اختلاف آنها در احکام بیشتر از اختلافشان در تفسیر است. و غالب آنچه در اختلاف از آنها وجود دارد اختلاف تنوع [تضارب افکار و ایده‌های جدید] است نه اختلاف از نوع تضاد. این مبحث در قسمت تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر قرآن قرار می‌گیرد و ارتباط اصلی و اساسی و معناداری با اصول تفسیر ندارد.

ابن تیمیه در مبحث «۱-۲- فصل فی نوعی الاختلاف فی التفسیر» این موارد را ذکر می‌کند: «۱-۲- النوع الأول: الخلاف الواقع فی التفسیر من جهة النقل؛ ۲-۱-۲- النوع الثاني: فی الاختلاف فی التفسیر باختلاف طرق الاستدلال». این بخش مربوط به «انواع تفسیر به طور کل» است که به معرفی انواع تفسیر از نقلی و استدلالی می‌پردازد.

در مبحث «۳- فصل تفسیر القرآن بالقرآن، و تفسیره بالسنة، و أقوال الصحابة» ابن تیمیه این موارد را بیان می‌کند: «۱-۳- فصل تفسیر القرآن بأقوال الصحابة؛ ۲-۳- فصل تفسیر القرآن بأقوال التابعین»؛ و در قسمت «۴- فصل تفسیر القرآن بمجرد الرؤی» این مباحث مربوط به «انواع تفسیر به طور کل» است که با توجه به پیوست شماره ۲، به این ترتیب است: «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی > اکتسابی (واقعی) < نقلی است. در حالی که مراد ایشان از «اصول تفسیر»، روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن است که از اصل مبحث اصلی به دور مانده است.

سپس ابن تیمیه در بخش «۵- فصل أقرب التفاسیر إلى الكتاب و السنة» با نظر و سلیقه خود بهترین مصادیق از تفاسیر که نسبت به کتاب و سنت نزدیک‌ترند را ذکر می‌کند. این بخش مربوط به «تاریخ تفسیر» است.

ابن تیمیه در بخش آخر کتاب خود «۶- فصل جمع القراءات السبع» را ذکر می‌کند و نظر خود را راجع به قراءت سبع و درست یا غلط بودن آنها ابراز می‌دارد. این مبحث مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» که زیرمجموعه «تاریخ قرآن» است می‌باشد. بنابراین در کتاب ابن تیمیه که به عنوان «مقدمه‌ای در اصول تفسیر» به حساب می‌آید و نویسندگان بسیاری بر آن حاشیه زده یا آن را شرح داده‌اند، موضوعی که در ارتباط اصلی و اساسی با «اصول تفسیر» باشد یافت نشد و اگر عنوان کتاب «مقدمه فی تاریخ

القرآن و تاریخ التفسیر» نامگذاری می‌شد مناسب‌تر بود!

۹-۲- نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)

۱- مقدمه تمهیدی

۱-۱- تعریف التفسیر لغه و اصطلاحاً

۲-۱- اقسام التفسیر الرئيسية [انواع تفسیر اصلی]؛ ۱-۲-۱- التفسیر بالمأثور؛ ۱-۲-۲- التفسیر بالاجتهاد.

۳-۱- اهداف التفسیر؛ ۴-۱- المقصود بالتفسیر العلمی؛ ۵-۱- انواع التفسیر اللاعلمی.

هسته مرکزی - اصل بحث:

۲- الفصل الاول

۱-۲- العناصر و الاتجاهات الشاذة فی التفسیر و الاخطاء المنهجية فيه [عناصر و نگرش‌های نادر در تفسیر و اشتباهات اصولی در

آن]

۱-۲-۱- القسم الاول: التفسیر الذی تفترض فيه ایدیولوجية خاصة سبقاً و سلفاً [تفسیری که بنای آن، نگرش و اعتقادی خاص است]

۱-۱-۱- نماذج منه

۲-۱-۲- القسم الثاني: الذی عنونته بالزائد على القرآن و الذی يحمل على القرآن [تفسیری که با عنوان زائد بر قرآن یا نظری که بر

قرآن تحمیل شود نامگذاری می‌شود]؛ ۳-۱-۲- القسم الثالث: التفسیر الناقص عن استيعاب [گرفتن] محتویات القرآن الکریم و عن

استيعاب خواصه [تفسیر ناقصی که بدون محتویات قرآن کریم و بدون خواص آن باشد]

۱-۳-۱-۲- الشعبة الاولى: ما يغفل عن عنصر الابدية فی القرآن الکریم [عنصر ابدی بودن قرآن، مغفول مانده است]؛ ۲-۳-۱-۲- الشعبة

الثانية: اغفال ما يتصوره بعض المفسرين بانه ليس محل ابتلاء [تصور غلط برخی مفسران که فلان موضوع، در این زمان به کار

نمی‌آید]؛ ۳-۳-۱-۲- الشعبة الثالثة: ما يهمل بدعوى انه مما استأثر الله بعلمه [اهمال کردن به آنچه که خداوند علمش را به دیگران

داده است]

۳- الفصل الثاني؛ ۱-۳- شروط المفسر

۱-۳-۱- الشرط الاول: ان يكون متقناً للعلوم التالية؛ ۲-۳- الشرط الثاني: علم الموهبة؛ ۳-۱-۳- الشرط الثالث: أن يكون ممن رزق

قابلية على المعاناة الشديدة و جسراً على تحمل الصعاب؛ ۴-۱-۳- الشرط الرابع: أن يكون على ورع و تقوى تمنعه من التسرع و

الحکم دون تثبت؛ ۵-۱-۳- الشرط الخامس: أن يكون سليماً معافى فى جسده و نفسه.

۲-۳- نماذج من التفسیر؛ ۴- خاتمة

نقد و بررسی

شیخ وائلی (ره) در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «و أكرر ما سبق أن دعوت إليه من ضرورة تفسير القرآن الکریم تفسیراً علمياً يبسر

للأجيال أن تأخذ زادا منه و هو غير مشوب بالكدر و لا محفوف بالمنغصات ولا محاط بالتزوير و التهريج، و ما أجد هذه المأدبة

الکریمه اقول: ما أجدرها بأن تخلو من المنغصات، فإن الله تعالى لم يعد لعباده زاداً يريد منهم أن يأكلوه هنيئاً ثم هو يضع فيه السم.

إن ذلك خلاف المنه و الرحمة...» (الوائلی، ۱۴۰۵ق: ۶۸)؛ و باز تکرار می‌کنم به آنچه که از ضرورت تفسیر قرآن کریم به آن

دعوت کردم، تفسیری علمی که آن را برای نسل‌ها آسان کند تا توشه خود را از آن [قرآن کریم] بگیرند در حالی که آن بدون

آلودگی و تیرگی باشد و با تزویر و توهین همراه نباشد. و شایسته است که درباره این سفره کریمانه بگویم: چقدر شایسته است که

از تیرگی‌ها مصون باشد زیرا خداوند بلند مرتبه برای بندگانش غذایی آماده نکرده است که به آنها بگوید از آن گوارا بخورید سپس

در آن سم بریزد این خلاف منت و رحمت است...).

ایشان این کتاب را در راستای ارائه اصول تفسیر علمی تألیف کرد. اکنون ببینیم که آیا در نیل به این هدف موفق بوده است یا خیر؟

ایشان در قسمت «۱- مقدمه تمهیدی؛ ۱-۱- تعریف التفسیر لغه و اصطلاحاً؛ ۲-۱- اقسام التفسیر الرئيسية؛ ۱-۲-۱- التفسیر بالمأثور؛ ۲-۲-۱- التفسیر بالاجتهاد؛ ۳-۱- اهداف التفسیر؛ ۴-۱- المقصود بالتفسیر العلمی؛ ۵-۱- انواع التفسیر اللاعمی» مبادی، کلیات، مقدمات و تعریفات بحث را مطرح می‌کند.

در مبحث «۲- الفصل الاول؛ ۱-۲- العناصر و الاتجاهات الشاذة فی التفسیر و الاخطاء المنهجية فيه؛ ۱-۱-۲- القسم الاول: التفسیر الذی تفترض فيه ایدولوجية خاصة سبقاً و سلفاً؛ ۲-۱-۲- القسم الثاني: الذی عنونته بالزائد علی القرآن و الذی یحمل علی القرآن؛ ۳-۱-۲- القسم الثالث: التفسیر الناقص عن استيعاب [گرفتن] محتویات القرآن الکریم و عن استيعاب خواصه؛ ۱-۳-۱-۲- الشعبة الاولى: ما یغفل عنصر الابدیة فی القرآن الکریم؛ ۲-۳-۱-۲- الشعبة الثانية: اغفال ما یتصوره بعض المفسرین بانه لیس محل ابتلاء؛ ۳-۳-۱-۲- الشعبة الثالثة: ما یهمل بدعوی انه مما استأثر الله بعلمه»، به علل و عوامل لغزش و خطا در تفسیر اشاره می‌کند و راه‌های مصون ماندن از اشتباهات تفسیری را بیان می‌کند. این بخش مربوط به «حالات مفسر» است که زیر مجموعه «مفسر» قرار دارد.

در مبحث «۳- الفصل الثاني؛ ۱-۳- شروط المفسر؛ ۱-۱-۳- الشرط الاول: ان یتقن العلوم التالیة؛ ۲-۱-۳- الشرط الثاني: علم الموهبة؛ ۳-۱-۳- الشرط الثالث: أن یتقن رزق قابلية علی المعاناة الشدیدة و جسراً علی تحمل الصعاب؛ ۴-۱-۳- الشرط الرابع: أن یتقن علی ورع و تقوی تمنعه من التسرع و الحکم دون تثبت؛ ۵-۱-۳- الشرط الخامس: أن یتقن سلیماً معافی فی جسده و نفسه» شرایط و حالات و «علوم مورد نیاز مفسر» را بیان می‌کند که این موارد زیر مجموعه «مفسر» قرار می‌گیرند. در پایان نیز «۲-۳- نماذج من التفسیر؛ ۴- خاتمة» را مطرح می‌کند که تفاسیری را نام می‌برد که شرایط فوق‌الذکر در آنها به کار رفته است. در نتیجه همان گونه که مشاهده می‌شود در زمینه «اصول تفسیر» مطلب اصلی و اساسی گفته نشده است اما درباره خود موضوع که «شیوه تفسیر علمی قرآن» است می‌توان گفت مباحث خوبی مطرح شده است.

۲-۱۰- من الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر [فی ظلال دلالات سورة الكهف] (جمال ابوحسان)

۱- ملخص [چکیده]

۲- مقدمه

۱-۲- مشکلة البحث؛ ۲-۲- منهجية البحث؛ ۳-۲- خطة البحث؛ ۴-۲- تمهید: هذا الكتاب عنوانه: «فی ظلال دلالات سورة الكهف». هسته مرکزی - اصل بحث:

۳- يقوم هذا الكتاب فی أصل فكرته و بحوثه علی ما یلی

۱-۳- أولاً: ما أورده الكاتب فی كتابه من عبارات لا تلیق بالله تعالی؛ ۲-۳- ثانياً: [المؤلف] إن سورة الكهف ینبغی أن تفسر تفسیراً مجازياً، و لا یجوز أن تفسر ألفاظها حسب المتبادر الظاهر؛ ۳-۳- ثالثاً: اضطراب المؤلف الشدید فی فهم حقیقة المسيح الدجال؛ ۴-۳- رابعاً: بناء المؤلف هذا الكتاب علی حدیث باطل، و رده للأحادیث الصحیحة الثابتة؛ ۵-۳- خامساً: لم یلتفت الكاتب إلى آراء علماء الإسلام بل نبذها وراء ظهرها؛ ۶-۳- سادساً: زعم الكاتب أن النبی صلی الله علیه و [آله و] سلم تأثر بالأنجیل و سار علی نفس منهاجها؛ ۷-۳- سابعاً: اضطرب الكاتب فی موضوع الملائكة و الجن اضطراباً لم یسبقه إليه سابق؛ ۸-۳- ثامناً: اضطرب المؤلف اضطراباً عجیباً فی تفسیر قصة موسى علیه السلام الواردة فی سورة الكهف؛ ۹-۳- تاسعاً: دعوة الكاتب للانزهاض أمام الأعداء؛ ۱۰-۳- عاشرًا: الكاتب و مجدد هذا العصر؛ ۱۱-۳- حادی عشر: نماذج من هذا التفسیر الشائن.

۴- الخاتمة

۵- مراجع البحث

نقد و بررسی

کتاب «من الاتجاهات المنحرفة في التفسير» نقد کتاب «فی ظلال دلالات سورة الكهف» است. ابوحسان این نقد را برای پایان‌نامه کارشناسی (لیسانس) خود انجام داده است. در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «لقد قمت أولاً بقراءة الكتاب كلمة كلمة من أوله إلى آخره، ثم وضعت الملحوظات العامة و الخاصة على هوامش الكتاب، و بعد ذلك قمت بتصنيفها حسب معطيات موضوعية رأيتهما تتناسب مع الموضوع المدروس، و ابتدأت الحديث بالملاحظات العامة حول الكتاب» (ابوحسان، بی تا: ۳)؛ همانا اولاً من این کتاب را کلمه به کلمه از ابتدا تا انتهای آن خواندم، سپس تفکرات عامه و خاصه را در پیوست کتاب آوردم و بعد از آن بر اساس موضوعات، آنها را نگاهشتم و دیدم که با موضوع مورد بحث تناسب دارد و با تفکرات عامه کتاب را شروع کردم). سپس موضوع کتاب را بیان می‌کند: «يعالج هذا البحث نمطاً من أنماط التفسير العصري غير المنضبط بالضوابط المنهجية العلمية الخاصة بالتفسير من خلال أحد المؤلفات الحديثة، و التي صدرت تحت عنوان (فی ظلال دلالات سورة الكهف) حيث عرض الباحث هذا الكتاب و ما فيه من قضايا، ثم قفَى بنقد الدعاوى الباطلة و الاستنتاجات الخاطئة التي ملئ بها. و قد ثبت للباحث أن صاحب الكتاب ينتحل القاديانية و لكنه لم يفصح عن دعوته في كتابه و إنما ألمح إليها إلماحاً». (همان: ۱) این مبحث یکی از روش‌های تفسیر عصری غیر منظم و غیر اصولی که مغایر با روش‌های علمی به ویژه تفسیر را علاج می‌کند که در خلال یکی از تألیفات جدید است و تحت عنوان (فی ظلال دلالات سورة الكهف) [در سایه‌سار دلالت‌های سورة كهف] نوشته شده است. نویسنده شروع به نقد این کتاب و قضایای آن نمود. سپس به نقد ادعاهای باطل و نتیجه‌های اشتباه که از آن پر شده است همت گماشت. و برای ناقد ثابت شده است که صاحب کتاب از قادیانیه^۲ است (ظاهر النباطی العاملی ۱۴۲۰ق، ۱: ۲۵). ولی در کتابش به صورت صریح این را بازگو نمی‌کند بلکه به صورت ضمنی به این نکته اشاره می‌کند).

با توجه به فهرست این کتاب، ناقد به اشکالات و ایرادهای مؤلف در توضیح و تفسیر سورة كهف جواب می‌دهد و با توجه به ملاک‌ها و معیارهای عامه و خاصه از علمای گذشته و حال، اشکالات را بررسی و حل می‌کند. برخی مباحث ایشان حول «تاریخ قرآن» دور می‌زند مانند: «۳-۳- ثالثاً: اضطراب المؤلف الشديد في فهم حقيقة المسيح الدجال؛ ۳-۷- سابقاً: اضطراب الكاتب في موضوع الملائكة و الجن اضطراباً لم يسبقه إليه سابق؛ ۳-۸- ثامناً: اضطراب المؤلف اضطراباً عجيباً في تفسير قصة موسى عليه السلام الواردة في سورة الكهف؛ بعضی زیر مجموعه «علوم قرآن» قرار می‌گیرند مانند: «۳-۲- ثانياً: [المؤلف] إن سورة الكهف ينبغي أن تفسر تفسيراً مجازياً، و لا يجوز أن تفسر ألفاظها حسب المتبادر الظاهر؛ برخی به «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی < اکتسابی (واقعی) < نقلی مربوط هستند مانند: «۳-۴- رابعاً: بناء المؤلف هذا الكتاب على حديث باطل، و رده للأحاديث الصحيحة الثابتة»؛ و برخی به «تاریخ تفسیر به طور کل» مربوط هستند مانند: «۳-۵- خامساً: لم يلتفت الكاتب إلى آراء علماء الإسلام بل نبذها وراء ظهرها». در نتیجه همان گونه که مشاهده می‌شود در زمینه «اصول تفسیر قرآن» (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر

^۲ - مؤسس این فرقه غلام احمد قادیانی است، غلام احمد در سال ۱۸۳۹م (حدود سال ۱۲۵۵ق) در روستایی به نام قادیان از شهرستان گرداس پور پنجاب از توابع هند متولد شد و در سال ۱۹۰۸ در شهر لاهور در پاکستان از دنیا رفت و جسد او به قادیان منتقل و در آن جا به خاک سپرده شد. تاریخ پیدایش احمدیه به سال ۱۸۸۹م برمی‌گردد که وی در چهل سالگی اعلام کرد مورد وحی و الهام الهی قرار دارد و از کسانی است که خداوند هر صد سال یکی را برمی‌انگیزد تا دین اسلام را تجدید کند و ادعا کرد که از طرف خداوند مأمور است از مردم بیعت بگیرد. او در سال ۱۰۹۴م خود را مسیح، مهدی موعود و تارا کریشنا خواند.

اجتهادی قرآن) مطلب اصلی و اساسی گفته نشده است اما درباره خود موضوع که نقد کتاب «فی ظلال دلائل سورة الکهف» است می‌توان گفت مباحث خوبی مطرح شده است.

۳- نتیجه‌گیری

با بررسی ده کتاب از کتب «اصول تفسیر قرآن» (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن)، که وجه همت خود را تبیین مراحل و فلسفه تفسیر اجتهادی قرآن می‌بینند و درصدد آن هستند که مراحل تفسیر اجتهادی قرآن را از نگاه مفسران شیعه یا اهل سنت به مخاطب ارائه دهند، با بررسی موشکافانه و دقیق این کتب، نتایج ذیل استخراج و دسته‌بندی می‌شود:

(۱) تعدادی از این کتب در هدف و به سرانجام رساندن مطالب کتاب با توجه به آنچه در مقدمه یا کلیات بیان کرده بودند راه خطا رفته و عنوان کتاب با معنوی آن (محتوا) مطابقت نمی‌کند.

(۲) در برخی موارد، مؤلف به حاشیه رفته و اصل مطلب را بیان ننموده است.

(۳) در بعضی کتب، مطالب به صورت پراکنده و بدون نظم خاصی در کتاب آورده شده است.

(۴) مطالبی که هیچ ربطی به مراحل تفسیر اجتهادی قرآن، یا موضوع و عنوان کتاب ندارد در کتاب گنجانده شده است و در برخی موارد اطالۀ کلام صورت گرفته است. در بسیاری موارد کتابی که مثلاً حدوداً ۱۰۰ صفحه می‌باشد، اگر مؤلف به مسائل و موضوعات کتاب با توجه به عنوان آن اشراف و تسلط داشت حجم کتاب به صورت ملموسی کم می‌شد.

(۵) متأسفانه اکثر کتب بررسی شده، فاقد ساختار و قالب‌بندی مناسب می‌باشند. تعداد کمی از آنها دارای فهرست و منابع پایانی می‌باشد که این امر برای خواننده‌ای که می‌خواهد کتاب را بخواند ضروری است.

(۶) به دلیل مشخص و منقح نبودن زوایای اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن) برای برخی اکثر نویسندگان و مؤلفان این موضوع، کتب آنها از نقاط ضعف، کاستی‌ها و کجروی‌های غیرقابل قبولی مصون نمانده است. در پایان یادآوری می‌شود که هر مؤلفی که می‌خواهد دست به تألیف کتابی - در این باب، اصول تفسیر قرآن (مراحل تفسیر اجتهادی قرآن) - بزند باید به اصول، مبانی و مراحل آن آگاهی کامل داشته باشد تا به راه خطا و اشتباه نرود و خارج از موضوع، مطالبی در کتاب نگنجانده به عبارت دیگر کتاب او جامع و مانع باشد.

پیوست ۱: جدول نقد و بررسی ساختار مؤلف

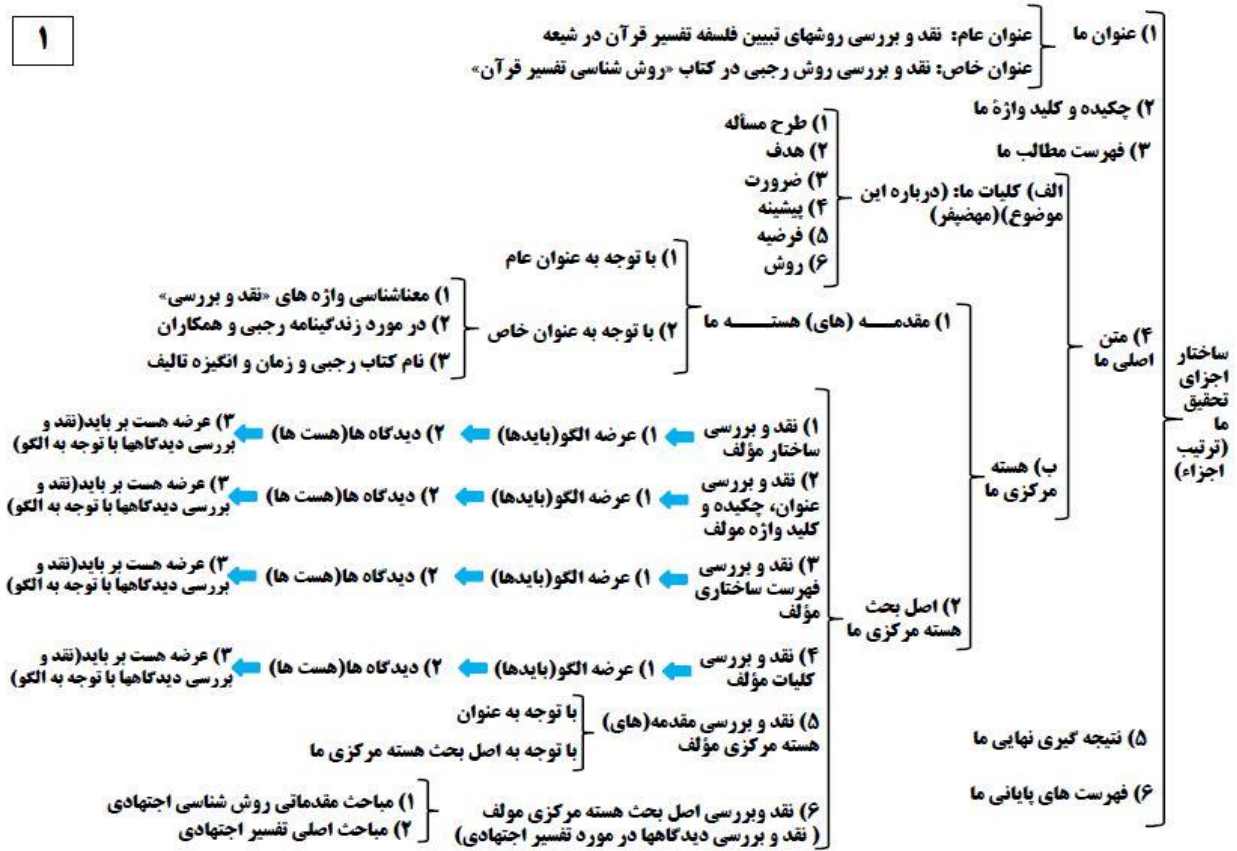
نقد و بررسی ترتیب ساختار مؤلف																
ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	مناسب بودن عنوان با مضمون	چکیده و کلید واژه	فهرست مطالب	طرح مسأله	پیشینه	ضرورت	هافت	فرضیه	روش	هسته مرکزی				فهرست‌های پایانی و منابع
												اصل بحث				
												مقدمه‌های هسته	مقدمه‌ها	اصل بحث	نتیجه‌گیری	
۱	الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان	خالد بن عثمان السیت	*	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۲	الفوز الكبير فی أصول التفسیر	ولی الله دهلوی	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۳	القول المنیر فی علم أصول التفسیر	اسماعیل عثمان زین الیمنی	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۴	النظم الحبیر فی علوم القرآن و اصول التفسیر	سعود بن إبراهیم الشریم	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۵	مناهج المفسرین	صالح آل شیخ	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۶	فصول فی أصول التفسیر	مساعدين سلیمان	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۷	مقدمه التفسیر لابن قاسم	عبدالرحمن بن محمد الحنبلی	*	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۸	مقدمه فی أصول التفسیر	ابن تیمیه حرانی	x	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۹	نحو تفسیر علمی للقرآن	احمد الوائلی	*	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-
۱۰	من الاتجاهات المنحرفه فی التفسیر	جمال ابوحسان	*	-	-	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-

راهنما:

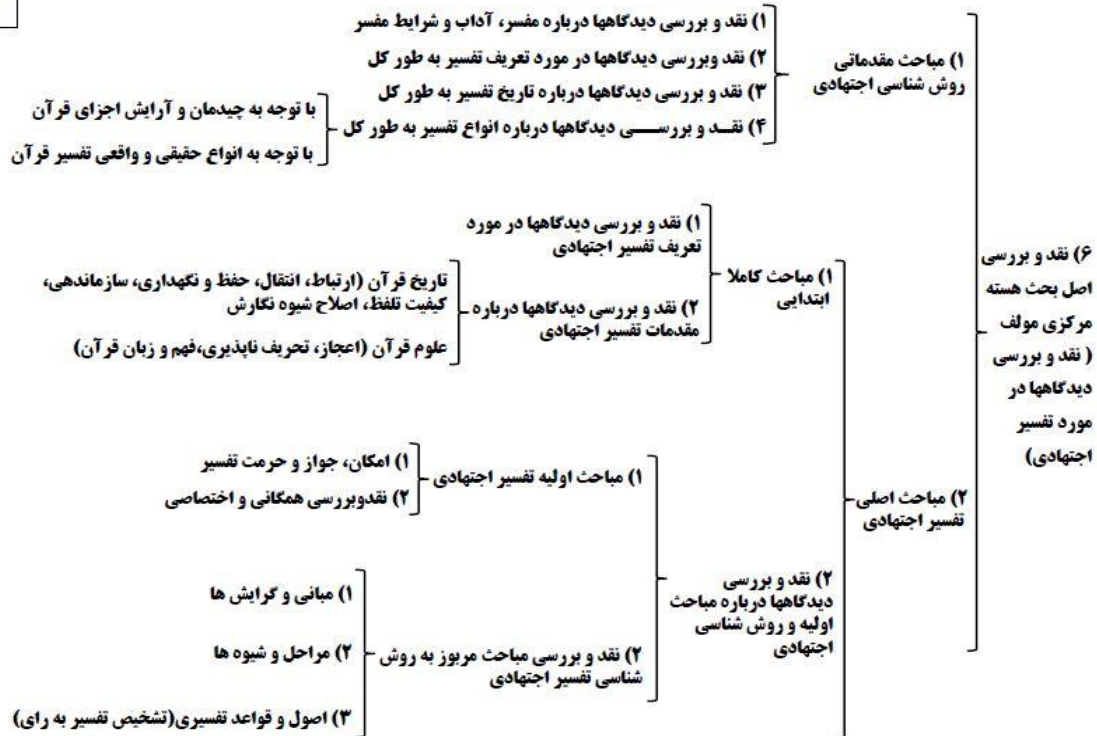
- ۱) علامت ستاره (*) نشانه مناسب بودن محل قرار گیری وضعیت کلی عناوین بالا است.
- ۲) علامت ضربدر (x) نشانه نامناسب بودن محل قرار گیری وضعیت کلی عناوین بالا است.
- ۳) علامت منفی (-)، نشانه عدم وجود وضعیت کلی عناوین بالا می‌باشد.

پیوست ۲: چارت ساختار اجزای تحقیق (ترتیب اجزا)

۱



۲



منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ۱- ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۰ق). مقدمه فی أصول التفسیر، بیروت، انتشارات دار مکتبه الحیة.
- ۲- ابن سلیمان، مساعد، (۱۴۲۳ق). فصول فی أصول التفسیر، چاپ دوم، ریاض، انتشارات دار ابن الجوزی.
- ۳- ابن قاسم الحنبلی، عبد الرحمن بن محمد، (بی تا). مقدمه التفسیر لابن قاسم، بی جا، بی نا.
- ۴- ابو حسان، جمال، (بی تا). من الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر، بی جا، بی نا.
- ۵- آل شیخ، صالح، (بی تا). مناهج المفسرین، بی جا، بی نا.
- ۶- دهلوی، ولی الله، (۱۴۰۷ق). الفوز الکبیر فی أصول التفسیر، ترجمه سلمان الحسینی الندوی، چاپ دوم، قاهره، انتشارات دارالصحوة.
- ۷- مسعودی، رضایی، مجتبی، امیر حسین، (۱۴۰۳) ارائه تصویر ارتكازی از امر به معروف و نهی از منکر و لوازم آن بر پایه مباحث اعتباریات، بن حارث نخعی، نشریه پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۴۱-۱۵۱ / 10.22034/API.2024.2029569.1026
- ۸- زین الیمنی، اسماعیل عثمان، (بی تا). القول المنیر فی علم أصول التفسیر، بی جا، بی نا.
- ۹- السبت، خالد بن عثمان، (بی تا). الإعجاز العلمی والعددی فی المیزان، بی جا، بی نا.
- ۱۰- شادمانفرد، علیپور، محمد حسین، محمد حسین، (۱۴۰۳) ارائه چارچوب مفهومی حکمرانی اسلامی با ابتناء بر عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) برای مالک بن حارث نخعی، نشریه پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۲۱-۱۳۹ / 10.22034/API.2024.2039576.1048
- ۱۱- الشّریم، سعود بن إبراهیم، (۱۴۲۲ق). النظم الحبیر فی علوم القرآن و أصول التفسیر، ریاض، انتشارات دار الوطن.
- ۱۲- ظاهر النباطی العاملی، سلیمان، (۱۴۲۰ق). دفع اوهام «توضیح المرام» فی الرد علی القادیانیة، بیروت، انتشارات غدیر.
- ۱۳- الوائلی، احمد، (۱۴۰۵ق). نحو تفسیر علمی للقرآن، چاپ اول، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.